

معرفت آریائیان (اجداد تاجیکان و پارسها) از خلقت و آفرینش



مجسمه زرتشت ، تندیس پیامبر آریائیان در آمریکا

آئین زرتشتی و یکتا پرستی

آئین زرتشتی یا مزدیسنا (پرستنده خدای یگانه) مجموعه ای از اندیشه ها و گزاره های ایمانی و باورمندی در مورد خلقت و آفرینش کائنات و دساتیر و اسلوب عملی اخلاق تطبیقی ، برای راهنمایی و پرورش انسان به سوی کمال و رستگاری است .

زرتشت اسپنتمان پیامبر آریائی ها ، آئین زرتشتی را پیرامون یک هزار و شصت سال و اند ، بقولی 1200 تا 1000 ق. م. بنیان گذاشت . (1)

اوستا کتاب مقدس آریائیان باستان و زرتشتیان است که اساسات معرفتی ، اعتقادات و اندیشه ها و قواعد و سلوک اجتماعی این آئین و مکتب فکری در آن شرح گردیده است .

این مجموعه فکری هزار فصل داشته و مشتمل بر بیست و یک : نسک (کتاب) بوده است . پلینی عالم معروف رومی (23 - 79 میلادی) نزدیک به دو هزار سال پیش از امروز در « دانشنامه تاریخ طبیعی » خود نقل می کند که :

" زرتشت در فرآیند عمر 77 ساله خویش مجموعاً دو میلیون و بیست و جیزه تصنیف کرده است . " که امروزه پنج بخش از آن باقی است که در بخش شرح کتاب " اوستا " با ایجاز کامل از آن یاد خواهد شد .

خرد اندیشی در فلسفه و آئین زرتشت :

در آموزش و شناخت آئین زرتشت از جهان هستی، پیروی و پیوستن به قانون آشا است. از دیدگاه این آموزش و نگرش خداوند جان و خرد ، توانا و هوشمند ، جهان بُود را بر پایه قانون و راه و روش در آمیخته و در هم تنیده آفریده که بر تمام هستی حکمفرماست و او این قوانین و هنجار و موازنه حساب شده را آشا می‌نامد. پایه و استواری قانون آشا بر جهان هستی وجود ، بازتاب اراده و خواست پروردگار است. انسان هوشمند باید خود را با هنجار هستی، همگام و همراه سازد.

راستی و درستی، مهر و فروتنی و فروزه‌های نیک انسانی را در سلوک رفتاری خود پرورش و تأمین دهد. تا با کنه ذات هنجار آشا همراه و همگام شود. قانون آشا، نیروی هماهنگ کننده جهان هستی است و هیچ پدیده‌ای از " بوزون هیچگز " تا کهکشانیها و یخچالها وجود ندارد که بر پایه این هنجار هماهنگ استوار و پایدار نباشد.

آشا یا خرد مقدس بمتابیه صفات آفریدگار ، در اندیشه زرتشت مقام شامخی را احراز می کند ؛ زرتشت با دستگیری خرد مقدس بوسیله عقل و دانش و فهم و شعور و دانائی و ادراک به شناخت خلقت هستی و کنه صفات اشیاء و وجود خالق پی می برد و بدریافت حقایق حیات دست می یابد .

نگرش و آموزه های زرتشت از جهان هستی بر بنیاد خرد و تعقل انجام گرفته است . ازینرو آموزش وی را سوای یک آئین ، یک مکتب فلسفی ای که بر بنیاد منش نیک تکوین یافته شناخت و به آن ارج گذاشت . او نقش خلاق تعقل و خرد ورزی را در « یسنا » هات سی و یک بند هشت می ستاید و می فرماید :

" ای مزدا ، هنگامی که با یاری اندیشه خویش ، تو را سر آغاز و سرانجام هستی و سرچشمه منش نیک شناختم و آن گاه که تو را با چشم دل دیدم ، دریافتم که تویی آفریدگار راستین خرد مقدس و داور کردارهای جهانیان " .

زرتشت با خرد و حس چشم دل خود قادر به درک مزیت قانون حرکت و تغییر و تکامل و نفی و افسرگرای و ایستایی و سکون می شود . او در گاتها ، یسنا ، هات سی و یک بند نُه میگوید :

" ای خداوند خرد ، بشود ما نیز چون یاران راستین تو در شمار کسانی باشیم که جهان را نو و زندگانی را تازه گردانند "

او در این بیان - بشریت ، تفکر و تعقل انسان ، اخلاق و فرهنگ تمدن بشری را در آمیختگی با منش حق گرایی راستین بسوی حرکت و تغییر و تکامل ، بهتر شدن و بهتر زیستن دعوت می کند .

در اندیشه زرتشت مفاهیم شادمانی و خوشبختی واقعی به مانند نعمت زندگی مورد پژوهش قرار می گیرد .

و مسیر حرکت بسمت قلّه های این نعمت از دید گاه وی در عبور از راه راستی و همگرایی انسانی حاصل می شود .

بفکر ما شاید گزینه « راه راستی » متناسب « اصل عدالت » با خوشبختی در فکر وی در آمیخته بوده باشد . او در این مورد در گات ها ، یسنا ، هات چهل و سی بند یکم بصراحت میگوید :

" خوشبختی از آن کسی است که خواهان خوشبختی دیگران است . " یعنی خوشبختی هر فرد را نعمتی برای فرد می شناسد. لهذا سعادت و خوشبختی جمعی نعمت و ثروتی برای بشریت است . "

آموزش زرتشت از لحاظ اصول اخلاقی نسبت به دیگر اندیشه های فلسفی برتری خاص دارد . چنانچه دکتر ویلهلم لودویگ گایگر (Wilhelm Ludwig Geiger) (زاده 1856 - درگذشته 1943) (2) آلمانی، آموزش زرتشتی را پاکترین و عالی ترین نظریات که تاکنون وجود داشته اند ، معرفی می کند .

در آموزش زرتشت انسان مقام شایسته و والای دارد از این رو دید و شناخت همه ای اندیشه و نظریات فلسفی او پیرامون کردار و رفتار و سلوک و خوشبختی بشر بوده است . او در اثر پر ارزش

« گاتها » مفهوم « راستی » را با زندگی مترادف می داند. می گوید :

" همان قسمیکه مرگ قادر نیست که زندگی را از بین ببرد . دروغ با وجود مسلح بودنش قادر نیست که « راستی » را محو کند . سرانجام این راستی است که بر خلاف میل پیروزی هـای موقت « دروغ » ، به پیروزی نهایی نائل می شود .

مفاهیم جبر و اختیار در اندیشه و آئین زرتشت متفاوت از دیگر آموزشهای فلسفی و آئین های اندیشوی بررسی می شود . او میگوید :

" سرنوشت بمفهوم آنچه از روز ازل برای بشر مقدر شده " مغایر فرهنگ مزایبی است .:

او بر این عقیده بود که : " بشر به علت داشتن آزادی در گزینش « خوب » و « بد » که در اختیار و اندیشه او قرار دارند اثری مستقیم و سد در سد ، در خوبی و بدی زندگی خود دارد . بدین اساس در این آئین و اندیشه سرنوشت هر کس بدست خود اوست و به همین دلیل موضوع جبر هم منتفی است ، یعنی همه اختیار است و از اجبار اثری نیست .

ما با این اندیشه « هاشم رضوی » همسویم که :

" اگر ذات حق توانای مطلق بقول ادیان بزرگ تنها نیکی است و نیکی می گستراند پس بدی و تیرگی از کجاست و پریشانی و زشتی را که آفریده ؟ زرتشت راز مسئله نیکی و بدی را از دیدگاه فلسفی و اخلاقی با شگفتی خاصی می گشاید و آنرا با الاهیات نمی آمیزد ، او می آموزد ، نیکی و بدی دو اصل مینوی و ذهنی است یعنی وابسته به منش و نیروی اندیشوی می باشند و این اندیشه آدمی است که نیکی بدی و زشتی و زیبایی افزونی و کاستی را می سنجد و گرنه خود وجود یا بودی ندارند . " (3)

چنانکه ملک الشعرا بهار می فرماید :

هر آن بد که بینی هم از چشم تست

در این بد ، زمانه گنهکار نیست

مقام و منزلت شایسته « زن » در آموزش زرتشت خیلی براننده و انسانی است .

زن در این اندیشه در یک تعادل حقوقی با مرد شناخته شده است . این متفکرو فیلسوف بزرگ و پیامبر آریایی های قدیم ، زیاده از سه هزار سال پیش از امروز به اهمیت والای مادر و نقش کلیدی

او در آموزش و پرورش کودکان پی برده و تأکید نموده که دختران بیش از پسران دانش و هنر آموزند .

دستور کلی زرتشت که مبین حقیقت عینی از ساختار کامل اخلاقیات بوده در سه اصل مشهورش بیان می کند .:

1 - انیشه نیک

2 - کردار نیک

3 - گفتار نیک (4)

با این نگرش ، درآموزش زرتشت یک انسان در برابر خویش سه وظیفه اساسی دارد .

1 - دشمن خود را باید دوست نماید .

2 - آدم پلید را پاکیزه سازد .

3 - نادان را دانا گرداند .

در آثار نویسندگان متقدم یونان و روم ، زرتشت و اندیشه فلسفی وی همه جا به حرمت یاد شده و ظاهراً شهرت فلسفه و آئین او به دیار آنان رسیده بوده و آنها را فریفته ساخته ، چندانکه در کتب و نوشته های خود از او به بزرگی نام برده اند .

قسمیکه افلاتون (427 - 348 ق . م .) حکیم پس از وفات سقراط در صدد برآمد که بمشرق زمین سفر کند و فلسفه و آئین زرتشت را مطالعه نماید ، چون تأثیر جنگ های آریانیان با یونانیان در آن زمان مشتعل گردید (در حدود 396 ق . م .) مسافرت آن حکیم را مانع آمد .

آئین و جهان بینی و فلسفه زرتشت و شرح مقولات : « نیک » و « بد » یا خیر و شر او در این آموزش در فرآیند اعصار متمادی بر افکار بسیاری از فلاسفه یی شرق و غرب و ادیان بزرگ ابراهیمی اثر گذارده است .

این آموزش از قرن هفتم قبل از میلاد دوگانه گرایی فیلسوفان یونان را تحت شعاع قرار داده ، اندیشه دوگانه گرایی افلاتون را تقویت کرده و در کتاب « قوانین » - فصل دهم ، از روان جهان پاک و روان جهان پلید بحث می کند ، که بدون هیچ گونه تردید از آئین زرتشت اخذ گردیده است . هراکلیت آتش را عنصر اصلی کائنات می خواند . اناکسیماند ترتیب اجرام آسمانی زرتشت را جنبه فلسفی می بخشد . امپیدوکلس (490 - 430 ق . م .) آموزه « خیر » و « شر » زرتشت را به عنوان اصل فلسفی کائنات معرفی می کند .

کورنه من در کتاب (5) « تاریخ جهانی » منطقه مـدیترانه (1948 م .) مینویسد :

" کسی که بخواهد حضرت عیسی (ع) و حضرت محمد (ص) را بشناسد باید ابتدا از عقاید بزرگ زرتشت شروع نماید " به همین جهت آریایی ها نه فقط از نظر سیاسی بلکه از نظر مذهبی و فلسفی نیز دارای رسالت تاریخی می باشند که همرا با فرهنگ یونانی چه از نظر سازمان حکومتی و چه در زمینه رابط با خدا - مبنای اصلی فرهنگ اروپایی را پایه گذاری کرده اند .

برخی از سخنان زرتشت که در مورد سلوک اخلاقی انسان گفته شده و عبارت اند از :

- کسی که بر قلب خود غلبه نکرد بر هیچ چیز غالب نخواهد شد.
- رفتار کن با دیگران قسمی که توقع داری که دیگران با تو رفتار کنند.
- آنچه را گذشته است فراموش کن و بدانچه نرسیده است رنج و اندوه مبر .
- کسی را فریب مده تا دردمند نشوی.
- بیگناه باش تا بیم نداشته باشی .
- سپاس دار باش تا لایق نیکی باشی .
- راستگو باش تا استقامت داشته باشی .
- متواضع باش تا دوست بسیار داشته باشی .
- دوست بسیار داشته باش تا معروف باشی .
- سخی و جوانمرد باش تا آسمانی باشی .
- دوستدار دین باش تا پاک و راست گردی .
- موافق وجدان خود رفتار کن که بهشتی شوی .
- روح خود را به خشم و کین آلوده مساز و هرگز ترش رو و بدخو مباش .
- در انجمن نزد مرد نادان منشین که تو را نادان ندانند .
- اگر خواهی از کسی دشنام نشنوی کسی را دشنام مده .
- سحر خیز باش تا کار خود را به نیکی به انجام رسانی .
- با هیچکس و هیچ آیینی پیمان شکنی مکن که به تو آسیب نرسد .
- مغرور و خودپسند مباش ، زیرا انسان چون مشک پرباد است و اگر باد آن خالی شود چیزی باقی نمی ماند .
- زندگی شما وقتی زیبا و شیرین خواهد شد، که پندارتان، کردارتان و گفتارتان نیک باشد.
- پیمان شکنی یکی از شاخه های دروغ است .
- هر یک از شما باید در کردار نیک به دیگری سبقت جوید و از این رو زندگی خود را خوش و خرم سازد.
- خوشبخت کسی است که خوشبختی دیگران را فراهم سازد .

- انسان در گزینش خوب و بد زندگی اش آزاد است . هر زن و مردی بایستی بهترین گفتار را بشنوند و مسیر خویش را در زندگی برگزیند .
- بهشت و دوزخ ما در این جهان دردستان خود ماست . نیکی پاسخ نیکی است و بدی سزای بدی .
- نتیجه زندگی ما دست‌آورد اعمال ماست .
- تکلیف هر انسان در زندگی اش کار و کوشش و آبادی و پیشرفت جهان است .
- هر کس باید بیاندیشد که کیست ؟ از کجا آمده است و برای چه در این جهان زندگی میکند ؟
- خداوند این جهان زیبا را برای شادی انسان در مسیر نیک آفریده است .
- کسانی در زندگی سرافراز و آسوده خواهند زیست که در زندگی به ندای وجدان درونی خویش گوش فرا دهند و آن را ارج نهند . زیرا وجدان درونی (احساس اخلاقی) همه انسانها آنها را به سوی کردار نیک رهنمایی میکند .
- انسانی که گمراهی را ببیند و او را با دانش و خرد خویش رهنمایی نکند در ردیف گناهکاران است .
- انسان به هر چه که اراده کند خواهد رسید . اندیشه آدمی سازنده زندگی اوست .
- بهترین زندگی دو جهان برای کسانی است که نیک بیاندیشند و پارسایی را سرلوحه زندگی خویش کنند .
- همسری که برای دخترت برگزیدی به او معرفی کن ولی انتخاب نهایی را به دست خودش بسپار .
- نیکی و سود خویش را در زیان دیگری مخواه .
- شریف ترین دل ها دلی است که اندیشه آزار کسان در آن نباشد .
- فرمان خوب ده تا بهره خوب یابی .
- دلیل شادی کسی باش نه قسمتی از آن و همیشه قسمتی از غم دیگران باش نه دلیل آن .
- هنگامی که همه یکسان فکر می کنند دیگر کسی بیشتر نمی اندیشد .
- راه جهان یکی است و آن راستیست .
- من آینده را دوست دارم چون بقیه عمرم را باید در آن بگذرانم .
- آنچه را می شنوید به عقل سلیم و منش پاک و روشن بسنجید و آنگاه بپذیرید .
- همیشه اشتباهات مردم را ببخش نه به خاطر اینکه آنها سزاوار بخشش اند بلکه تو سزاوار آرامش هستی .

- بردباری ، هنگامی خوب است که مبدأ منزهی داشته باشد ، وگرنه در مقابل بیدادگری ، بُردباری ناتوانی ، و ناتوانی مقدمه نابودی است.
- اگر کسی را دوست داری، به او بگو . زیرا قلبها معمولاً با کلماتی که ناگفته میمانند، میشکنند.
- کسی که بر نفس خود غلبه نکرد بر هیچ چیز غالب نخواهد شد.
- عشق می ماند؛ انسان ها هستند که عوض می شوند .
- خوشبختی از آن کسانیست که خواهان خوشبختی دیگران باشند .
- شریف ترین دلها دلی است که اندیشه ی آزار کسان در آن نباشد.
- خورشید باش که اگر خواستی برکسی نتابی نتوانی .
- فاش نکردن اسرار مردم دلیل کرامت و بلندی همت است
- نیکی و سود خویش را در زیان دیگران مخواه.
- عاشق عاشقی باش (6) و دوست داشتن را دوست بدار، از تنفر متنفر باش و به مهربانی مهر بورز، با آشتی آشتی کن و از جدایی جدا باش .

- 1- رجوع شود :
 - آبان یشت ، 18 ؛ یسنای 9 بند 13384
 - وندیداد ، فرگرد 19 : 4 ، 6 ، و 46384
 - پیامبر از یاد رفته ، (ضمیمه کتاب خراسان بزرگ مهد آئین زرتشت ، ص 131).
 - مری بویس ، تاریخ کیش زرتشت ، ج 1 ، ص 384 .
 - فرهنگ فارسی ، مؤلف : محمد معین ، تهران ، چاپ یازدهم 1376 .
- 2- زرتشت در گاتها دکتر ویلهلم گیگر با ترجمه و چاپ فرگرد اول وندیداد ، موفق به اخذ درجه دکترای فلسفه دانشگاه ارلانگن به سال 1877 گردید در سال 1878 موفق به تألیف و تهیه متون کتاب « پازند » باخترکهن متن اوستایی و سانسکریت شد - رجوع شود : زرتشت در گاتها
- 3- زرتشتیان یکتا پرست هستند ، نوشته : موبد رستم شهزادی ، ناشر : انجمن زرتشتیان تهران ، چاپخانه فروهر ، سال 1364 ، ص 24 .
- رضی ، هاشم ، راهنمای دین زرتشتی ، تهران : سازمان انتشارات فروهر ، 1352 .
- 4 - تاریخ نظریات فلسفی ، نویسنده : بصیر کامجو ، سال چاپ : 1381 هجری شمسی ، بنگاه انتشارات میوند ، کابل ، ص 64 و 65 .
- 5 - همانجا ، صص 68 و 69 . وهمچنان اثر : خدایان آریایی و آئینیکتا پرستی زرتشت ، نویسنده : رحیم عزیزی ، انتشارات زهاب ، 1373 ، ص 174 .
- 6 - رجوع شود به : (<http://jomalatziba.blogfa.com/cat-20.aspx>)

اوستا



اوستا در واقع نام کلی - کهن‌ترین دانشنامه آریانیان است که دارای بیست و یک نسک بوده و در شکل امروزی، آن شامل پنج بخش است و عبارت‌اند از:

1 - یسنا (شامل گاتها و غیره آن)

2 - یشتها (سروده‌های نیایشی)

3 - ویسپرد

4 - وندیداد

5 - خرده اوستا

مندرجات اوستا عبارت است از:

نیایش آهورامزدا و امشاسپندان و ایزدان (که در زبان فارسی امروزی به معنای خدا و ذات حق) گفته می‌شود، شامل تکالیف انسان در جهان، بهشت و دوزخ، و داستانهای ملی می‌باشد.

گویند پس از آنکه اسکندر مقدونی قصر سلطنتی آریانای بزرگ را آتش زد، اوستا را نیز بسوخت. بلاش یکم بیست و دومین پادشاه اشکانی دودمان تاجیکان فرمان داد تا اوستای پراکنده را از شهرهای آریانای بزرگ جمع کنند.

در ازمنه‌های بعد، ارد شیر بابکان مؤسس شاهنشاهی ساسانیان پارس این رسالت سترگ را به انجام رسانید و، مرد بزرگوار موبد موبدان تنسر (بهرام خورزاد)، را مأمور مرتب ساختن آن کرد.

وپسرش شاپور اول کار پدر را تعقیب نمود. (1) و سرانجام این دانشنامه را به همان شیوه قدیم به بیست و یک نسک بخش کردند و ترتیبش نمودند. شرح و تعریف این نسک‌ها در دینکرت که مجموعه‌ای بزرگی است بزبان پهلوی و سایر منابع کهن دیگر آمده است.

اول - یسنا :

یسنا بخشی است از اجزای پنجگانه اوستا ، این واژه به معنی پرستش و ستایش و سروش ، نیایش و تقدیس آتش و آب و نماز و جشن و غیره می آید ، و بویژه هنگام مراسم مذهبی سروده می شود و آن شامل هفتاد و دو فصل است .

یسنا حاوی پنج بنای زیر است :

- ذکر و نیایش آهورا مزدا یعنی خدای حق ، خدای آفریدگار گل ،

- امشاسپندان یعنی مقربان و نزدیکان ،

- ایزدان

- درون (نان مقدس) دعایی باشد برسر سفره ، که اهل مغان در ستایش خدای بزرگ خوانند و بر خوردنیها پد مند و بعد از آن بخورند،

- هوم یکی از اجزای پنجگانه قدمای دین زرتشت که معنی آن طینت ، سرشت و خمیره (ماده) فطرت ، جبلت ، خلقت ، طبع ، طبیعت ، آب و گل ، گل آدمی است.

پارسیان (تاجیکان و پارسها و کردها ...) باستان ، بخش « یسنا » را به دو قسمت بزرگ تقسیم می کنند:

بخش نخست آنرا از یسنای 1 تا یسنای 27 در برمی گیرد .

و بخش دوم آن از یسنای 28 شروع تا پایان دانشنامه . از این 72 فصل 17 فصل (هائیتی) گاتها را که قدیمترین قسمت اوستا بشمار می رود، تشکیل می دهند.

گاتها ، کتاب اصول دین زرتشتی مجموعه از مفاهیم و معانی ژرف خدانشناسی با سخنان دلکش و انسانگرایی است که در بخش دوم یسنا معرفی می گردد . جهت معرفی چند سروده « آشو(بهشتی) زرتشت » را از گاتها در این جا بیان می کنیم . و در آخرین نوشته آنرا با ایجاز کامل بیان خواهیم نمود .

سروده های زرتشت : آشو زرتشت می فرماید .:

- بیاییم از کسانی شویم که این جهان را تازه و نو می گردانند .

پس از برگزیده شدن آشویا اشا زرتشت به پیامبری . آن و خشور (رسول یا پیغمبر) فرموده است :

" یسنا - هات 28 ، بند یکم : با دستهای برافراشته بسوی تو ای مزاد (خدا) با فروتنی تمام پیش از همه چیز، خواستارم که بهره ای از خرد مقدس خود را به من عطا فرمایی تا به همراهی درستی کردار و وجدان پاک بتوانم خوشبختی روان آفرینش (همه جهان) را فراهم سازم . " (2)

بند دوم : در خواست دیگر « آشو یا اشا زرتشت » " ای آهورامزدا (خداوند یکتا) بشود که با اندیشه نیک به تو نزدیک شوم وبا پیروی از هنجار هستی به ارزش نیروهای تن و روان خود پی برم تا بتوانم راستی جویان را بسوی روشنی و خرمی و زندگانی نیک هردو جهان رهبری کنم . " (3)

بند سوم : " نخستین پیامبر یکتا پرستی . آشوزرتشت است . ای آهورامزدا - ای خدای دانا ، من این سروده های ستایش خود را آن سان که پیش از این کسی نسروده است. نیازت می کنم - ای روان راستی و ای نیک اندیش واقعی - از تو درخواست می کنم تا در جهان . نیروی فنا ناپذیر معنویت پرتو افکند . اینک که تورا با ستایش خود فرا می خوانم . بسویم شتاب و مرا از خوشبختی و کامیابی راستین برخوردار ساز . " (4)

اوستا در رسانه های تحقیقی و علمی اروپا خیلی پسان راه یافته است. آبراهام آنکوئتیل - دوپرون (1731-1805) خاورشناس فرانسوی ، در سال 1755 به شرق هند سفر کرد و این متون را در آن کشور بدست آورد. او اوستا را از متن ترجمه شده زبان فارسی نو ، توسط یک موبد پارسی به زبان فرانسوی منتشر کرد.

راسموس کریستیان راسک (Rasmus Christian Rask). زبان شناس دانمارکی (1787-1832 میلادی) در دیدار از بمبئی (مومبای کنونی) در سال 1820 چندین دست نوشته از اوستا را جمع آوری کرد و برای اولین بار با بررسی زبان اوستایی به این نتیجه رسید که این متون باید باقیمانده یک مجموعه بزرگ از متون مقدس پارسها و تاجیکان باستان باشند. متونی که راسک آن را جمع آوری کرد، اکنون در کتابخانه دانشگاه کپنهاگن قرار دارند. دست نوشته های دیگر در خانه هند شرقی و موزه بریتانیا در لندن، کتابخانه بودلیان در آکسفورد و در کتابخانه دانشگاه های مختلف پاریس نگهداری می شوند.

دوم - یشتها

در فرهنگهای زبان پارسی یشتن را به معنی ومفهوم عبادت کردن وبه ویژه ستایش آفریدگار ونیایش امشاسپندان وایزدان گرفته اند.

یشتها یکی از بخش های پنجگانه اوستا است که شامل 21 یشت می باشد که بعضی از آنها کوتاه و بعضی دیگر بسیار بلند اند. و به قرار ذیل است :

- 1- هرمزدیشت . 2- هفت امشاسپندیشت . 3- اردیبهشت یشت . 4- خردادیشت . 5- آبان یشت . 6- خورشیدیشت . 7- ماه یشت . 8- تیریشت . 9- گوش یشت . 10- مهریشت . 11- سروش یشت . 12- رشن یشت . 13- فروردین یشت . 14- بهرام یشت . 15- رام یشت . 16- دین یشت . 17- اردیشت . 18- اشتادیشت . 19- زامیادیشت . 20- هوم یشت . 21- وندیشت . (5)



بخشی از آبان یشت. از برگردان ابراهیم پورداوود.

برای آگاهی مفاهیم فوق در این بخش از 21 یشت (ستایش آفریدگار جهان) صرف به شرح « هرمزدیشت » اکتفا می کنیم .

هرمزد یشت نخستین یشت موجود در کتاب اوستا می باشد که با نام خدا آغاز می شود. و در ستایش خداوند سروده شده است . مجموعاً دارای سی و سه فرگرد یا فصل است. که ما بصورت نمونه :

از فرگرد یا فصل دوازدهم آن شروع می کنیم (6) :

- پشتیبان نام من است.

- آفریننده و نگاهبان نام من است.

- شناسنده و سپندترین مینو نام من است.

- چاره بخش نام من است.

- چاره بخشترین نام من است.

- پیشوا نام من است.

- بهترین پیشوا نام من است.

- هوره نام من است.

- مَزدا نام من است.

- اَشَوْن نام من است. (اشون = نظم نیکو ، حقیقت ، وهر چیزی که از جهان نیک است در مفهوم کلی اش با صفت « اشون » مشخص و متمایز می شود.)

- اَشَوْن ترین نام من است. (" نظم نیکو " یا " حقیقت ")

- فَرِهَمند نام من است. (فرهمند = خردمند و نورانی و باشکوه)

- فَرِهَندترین نام من است.

- بسیار بینا نام من است.

- بسیار بیناتر نام من است.

- دور بیننده نام من است.

- دور بیننده تر نام من است.

سوم - ویسپرد

ویسپرد یا ویسپرد یکی از پنج بخش اوستا و از مآخذ اوستایی است. در ویسپرد نام ردهای مینوی و گیتی ای و سپس شش رد سال یعنی گاهنبارها برده شده است.

ویسپرد درباره آیین شش گاهنبار و نمازهای وابسته به آن است و دارای 23 کرده (بخش) و 4000 واژه است (7).

و همیشه همراه ستایش و نیایش یسنا خوانده می شود. ولی در اوقات ویژه از سال ، مانند گاهنبار (جشن های موسومی) ویژه ویسپرد خوانده می شود و به "ویسپرد گاهنبار" مشهور است .

گاهنبار درمتون زرتشتی و آریایی آن شش روزی است که خدا دنیا را آفرید و در کتاب زند از زرتشت نقل می کنند که اهورامزدا یا خداوند یکتا ، دنیا را در شش گاه آفرید ، و اول هر گاهی نامی دارد ، و در اول هر گاهی جشنی سازند. همانطور که در دین های سامی آفریدگار ، جهان هستی را در شش روز می آفریند . در دین آریانیان کهن نیز اهورامزدا یا خدا آفرینش جهان مادی را در شش گاهنبار به انجام می رساند. به این ترتیب که در بخش یسنا آمده است :

1 - نخستین گاهنبار روز پانزدهم اردیبهشت یا ثور ماه، چهل و پنجمین روز از اول سال که در آن آسمان آفریده شد.

2 - روز پانزدهم تیر یا سرطان ماه ، صد و پنجمین روز سال که در این روز آب آفریده شد.

3 - روز سیام شهریور یا سنبله ماه ، صد و هشتادمین روز سال که در این روز زمین آفریده شد.

4 - سیام مهریا میزان ماه ، دوصد و دهمین روز سال که در آن گیاه آفریده شد.

5 - بیستم دی یا جدی ماه ، دوصد و نودمین روز سال که جانوران آفریده شدند.

6 - در آخرین روز کیبسه ی سال 30 اسفند یا حوت ماه ، یعنی سیصد و شصت و پنجمین روز سال که وهیشتواشت گاه می نامند واقع است که مردمان آفریده شدند.

هر یک از جشنهای ششگانه ی گاهنبارها پنج روز بطول می انجامیده و آخرین روز هر گاهنبار مهمترین روز جشن بوده است. (8)

چهارم - ونیداد

ونیداد ، گنج شایگانی است از ریشه دارترین و بنیادی ترین بن‌مایه‌های استوره‌ها و فرهنگ آریائیان و یکی از نسک‌های پنج‌گانه اوستای امروزی است و بیشتر به احکام فقهی (شامل مسائل بهداشتی و مراسم بزرگ آیینی) می‌پردازد. ونیداد شامل 22 فرگرد (فصل) است.

که به گونه ای بحث بین اهورامزدا (خداوند یکتا) و زرتشت (پیامبر آریائیان باستان) صورت گرفته است.

بترتیب از فرگرد: (1 ، 2 ، 3 ، تا - 6 ، 7 ، 8 ، 9 ، 10 ، 16 ، 17 ، 19) شامل مسائل: اعتقادی و افسانه «یما یا جمشید پادشاه»، بیشتر به بهداشت و بیماری‌ها و راه‌های مقابله با آنها را بازگو می‌کند.

و فرگرد های 4 و 5 مفاهیمی مبنی بر امور حیات اجتماعی ، بویژه درباره شأن ثروت ، کمک به دیگران ، ازدواج و کارکردن و قبح رفتار غیر قابل قبول جامعه مانند اهانت و عهدشکنی بحث می‌کنند و کفاره‌های لازم برای پیمان‌شکنی و گناهان دیگر را مشخص می‌نمایند.

«ونیداد» (9) یک مجموعه فکری از اصول و قواعد و احکام و فرامین دولت داری و زیست باهمی است ، و در اساسات حکمی آن تا حدودی نسبت های اخلاق تطبیقی و گونه های سلوک دگردوستی و مهر ورزی دیده می‌شود.

پنج - خرده اوستا

خرده اوستا بخشی پنج از اوستا است. این مجموعه شامل نماز و ادعیه، درودها، سرودهای آیینی و سرودهایی درباره گذشتگان، اوقات روز و ایام متبرکه و ماه و جشن های دینی و جز آن است.

خرده اوستا جوان ترین بخش اوستا و گزیده بخش هایی از یشت ها و یسنا، ویسپرد، و متن های کوتاه و دعا های مختصری مانند پنج نیایش (عبادت و ستایش خورشید، ماه، میترا، آب و آتش)، می باشد.

از قول پوژ هشگرشادروان پور داوود، برخی از بخش های خرده اوستا را بگونه زیر معرفی می کند. (10)

1 - اشم و هو - یتا اهو

2 - نیرنگ کشتی بستن

3 - سروش باژ

4 - هوشبام

5 - پنج نیایش (عبادت و ستایش خورشید، ماه، میترا، آب و آتش)

6 - پنج گاه (پنج وقت نماز) در آیین زرتشتی هر شبانه روز به پنج گاه بخش شده و در هر گاه نمازی خوانده می شود. هر کدام از این گاه ها با نام ویژه خود خوانده می شود:

- هاون گاه،

- ریپیتون گاه یا گاه رفتون،

- اوزییرینه گاه یا گاه ازیرن،

- ایویسروثریمه گاه یا گاه ایوه سریترم،

- اوشهینه گاه یا گاه اشهن.

در آیین زرتشتی نماز عملی اجباری و اعتیاد گونه نیست که بصورت برده وار و ترس از آدمی ظالم خوانده شود و یا تجارتی سود رسان نیست تا کسی برای رسیدن به ثروت و بهره لازم آنرا بجا آورد.

نماز در دین زرتشت خود شناسی است. و در نماز باید اندیشه پالایش شود. بر طبق اعتقادات دین زرتشت هر یک از موجودات نره ای از اهورا مزدا (خداوند یکتا) را در خود دارند و این فروهر (*) در وجود من شما و دیگران است برای همین است که این آیین تنها آیینی است که قربانی نمودن برای خدا در آن منع شده است. حتا گیاهان و جمادات هم از این فروهر بی بهره نمی باشند. به همین خاطر است که آشو زرتشت در بخشی از نیایش خود می فرماید:

(*) فروهر: نیرویی است که اهورمزدا (خدای یکتا) برای نگهداری آفریدگان نیک ایزدی از آسمان فرو فرستاده و نیرویی است که سراسر آفرینش نیک از پرتو آن پایدار است. پیش از آنکه اهورمزدا جهان خاکی را بیافریند، فروهر هر یک از آفریدگان نیک این گیتی را، در جهان مینوی (روحانی) زبرین بیافرید و هر یک را بنوبه خود برای نگهداری آن آفریده جهان خاکی فرومی فرستد و پس از مرگ آن آفریده، فروهر او دیگر باره بسوی آسمان گراید و به همان پایی ازلی بماند.

7 - دوسی روزه

در مورد روزه در آیین زرتشت نیز باید گفته شود که روزه گرفتن و نخوردن آب و غذا بخاطر اینکه باعث سستی بدن و عدم فعالیت مفید و کار روزانه می شود ناپسند می باشد. این موارد در آیین زرتشت نکوهیده شده و بی کاری و تن پروری بشدت نهی شده است.

" با فروتنی کامل پیش از همه چیز خواستارم که بهره ای از خرد مقدس خود را به من عطا فرمایی تا به همراهی درستی کردار و وجدان پاک بتوانم خوشبختی روان آفرینش را (برای همه جهانیان) فراهم سازم " . (11)

در وندیداد، فرگرد سوم فقره 33 نوشته شده: " ... آن کس که سیر غذا می خورد، توانایی می یابد که نیایش عبادت بکند، کشت و کار کند ، فرزندان به وجود آورد. جاندار از خوردن - زنده می ماند و از نخوردن می میرد. " (12)

در اوستا مفهوم روزه به روزه باطنی نسبت داده می شود و روزه ظاهری وجود ندارد اگرچه امساک و تحت فشار قرار دادن جسم برای تمرکز بیشتر بر اعمال و مناسک دینی عمل ستودنی است. رئیس انجمن موبدان می نویسد: " در اوستا بر روزه بزرگتری تاکید شده است و آن :

حفظ هفت عضو بدن، مشتمل بر - دو چشم، دو دست، دو پا و زبان در تمام ایام زندگی از هرگونه آلودگی است . و این هفت عضو همیشه باید پاک نگه داشته شوند که از این عمل نیز تحت عنوان روزه یاد می شود. " (13)

8 - چهار آفرینگان

نتیجه:

مفاهیم برجسته و بنیادین آیین زرتشتی بقرار ذیل است . :

یک - تنها یک خدا وجود دارد، خداوند خرد، اهورا مزدا، آفریدگار و پروردگار پیوسته، پشتیبان و پیش برنده کیهان (سرود 8 و 9)

دو - همه باورهای خرافی به خدایان و الهه ها و موجودات تخیلی مشابه دروغین و اجرای مراسم برای خشنود ساختن آنها بایستی کنار گذاشته شود و همه تصورات و اعمال غیرمنطقی باید رها شوند. (سرود 5)

سه - آیین وجدان نیک، دین، نام گاتایی آیین زرتشتی، جهانی و همگانی است. (سرود 9,10 و 17,1)

چهار - روشن اندیشی خدایی (سروش) توانایی های خداوندی را آشکار می کند که منجر به درک اصول بنیان کیهان و نظم گیتی می شود.

پنج - جهان به نیکی آفریده شده است و روبه تکامل پیشروی می کند چنانکه آفریدگار آن اورمزد می خواهد. (سرود 8 و 9)

شش - به بشر آزادی اندیشه، گفتار و کردار بخشیده شده و ذهنی روشن برای تشخیص میان آنچه نیک و بد برای جامعه انسانی دارد. (سرود 3,2 و 4,9 و 11 و 12)

هفت - انسان دو روان سپنتا مینیو یا روان پیش برنده و آنگره مینیو یا روان پس برنده دارد. روان پیش برنده به ترقی شخص و دنیای پیرامونش کمک می‌کند. (14)

در اینجا برخی سروده های « زرتشت سپنتمان » پیامبر آریانیان قدیم را به خوانش می‌گیریم :

بر علاوه مؤلفه های فوق ، عناوین و مفاهیم زیر با مزدیسنا (دین زرتشت) پیوند کلی ، معرفتی و تکمیلی دارد ، شرح همه آنها از حوصله بحث ما بیرون است مگر در این جا صرف با ذکر نام آنها اکتفا می‌کنیم . (15)

زیرا ذکر نام مؤلفه های زیر میتواند در آینده رهنمایی برای پژوهش های علمی و تحقیقاتی عمیقتری به نسل های بعدی گردد و ایشان را کمک خواهد کرد.

در مورد بررسی مسایل : تاریخ ، مفاهیم ، نیروهای شر ، افراد مهم ، آئین ها و مکان های مقدس ، نوشته های دینی و غیره ... در پیوند به اندیشه ها و رویکرد های فکری زرتشت سپنتمان بازشناختی و تأمل مفاهیم زیر را از دید پژوهشی بدور نباید گذاشت .

تاریخ زرتشت • گشتاسب • پارسیان هند • زرتشتیان ایران • دبیرستان فیروز بهرام • مزدیسنا در نیشابور

مفاهیم

• اهورامزدا (خدا) ایزدان (درخورستایش)

• اهریمن (شیطان و دیو و جن)

• امشاسپندان (مقربان و نزدیکان)

• سوشیانس (پسر زرتشت)

• هوشیدر (نماز گزار)

• زروان (زمان) • اشسه (نوع گیاه)

• هوم (شکاف زمین)

• مغ (گبر آتش پرست باشد از ملت ابراهیم (لغت فرس چ اقبال ص 224).)

• دیوها (ابلیس ها) • اردویسور اناهید • فرَوَهَر • هوشیدر ماه • آتش • پل چینود • فرشگرد • توحید • کلام • موبد • سپنتا مینیو • معجزه • ظهور • گروتمان • ماه پایه • روشنی بی پایان • فلسفه زرتشت • وهومن • اشه و هیشته • شهریور • سپندارمذ • هورواتات • امرداد

نیروهای شر

• اهریمن • آنگره مینیو • دیو • دروج • اپوش • جهی • اکومن • دیو آز • ایندرا • اشموغ • استویداد • پریمتی • دیوهای کماله • ساوول • ترومت • اودگدیو • ورن دیو • چشمک دیو • پنی دیو • میتوخت • ویزرش دیو • ناگهیس

افراد مهم

زرتشت • گشتاسب • پوروچیستا • کرتیر • تنسر • فهرست موبدان • آذرباد مهراسپندان • بابک خرم دین • فرهنگ مهر • جاماسب • دستور داراب پالن • دستور دهالا • دقیقی • مزدک • پوروچیستا • ارداویراف • زرتشت بهرام پژدو • مازیار • اردشیر بابکان • شاپور دوم • انوشیروان • اریاب کیخسرو • بهرام گور آنکلساریا • مانک جی لیم جی هاتریا • ماهداد • بهرام گور • فردی مرکوری • بزرگ مهر • زوبین مهتا • جمشید جی نوشروان جی تاتا • مهربابا • رستم شهزادی

آیین ها و مکان های مقدس

نماز • جشن ها • خویدوده • گاهنبار • سدره پوشی • آیین های پاکیزگی • درون • برسم • کستی • ور • گاهشماری زرتشتی • کعبه زرتشت • آتشکده ها • استودان • برج خاموشان • چکچک • پیوکائی • زادروز زرتشت • درگذشت زرتشت • زایش زرتشت • بدرود با گذشتگان • ارج گذاری به روان جاویدان • نیایشگاه آدریان • آتشکده نوبهار • آتشکده آدرگشنسب • آفرینگان • برشنوم • آتشکده آذر فرنیغ • موسیقی زرتشتی

نوشته های دینی

اوستا • گاهان • هفت هات • خرده اوستا • بندهشن • دینکرد • زاد سپرم • شایست نشایست • زند • پازند • مینوی خرد • ارداویراف نامه • دادستان دینی • آفرینگان • سیروزه • یشت • ماتیکان • گجستک ابالیس • ادبیات پهلوی • دبستان ال مذاهب • دینکردنامه

اوستا شناسان

اوستاشناسی • ابراهیم پورداوود • مری بویس • گلندر • دارمستتر • دالا • اشپیگل • بنونیست • انکتیل دوپرون • ویندیشمن • هارله • هوگ

مکان های اساطیری

فراخکرت • مازندران • هرابرزیتی • رود دایتی • ایریانم وَجِه • چیچست • آذربایجان • سیستان • دریاچه هامون • نیشابور • دماوند • بلخ • کنگدژ • چکچک

شخصیت ها

لهراسب • گشتاسب شاه • جاماسب • فرشوشتر • مشی و مشیانه • آرش شواتیر • فراهیم • ویونگهان • تهمورث • هوشنگ • بیمه • اسفندیار • پشوتن • بندو • گرهمه • ارجاسب • توربراتور • زیر • آتبین • پوروچیستا • اردت فذری

جانوران مرتبط خرفستر • گاو سریشوک • سیمرغ • خر سه پا • اژدها • چلیاسه • کمک • کرشفت • چمروش

مدخلی بر فراز - نیایش و ستایش

در گاتها

آموزش این بخش نمودی از شناخت نیاکان ، از خلقت و آفرینش جهان هستی است. ما دانشجویان در راه تکلیف روشنگری ، رسالت خویش می دانیم که از کنه و وسعت دید و آگاهی سرزمین باستانی اجداد مان واقف گردیم . و دیگر میراث داران را به آن آشنا سازیم .

در آغاز نوشته در مورد گاتها به گونه ای بحث صورت گرفت. مگر جهت آگاهی بیشتر برای نسل دگر اندیش نیک روا دانستیم تا برخی از بخش های گات ها را با ایجاز کامل در اینجا باری به تأمل گیریم .:

اندیشه و گفتار و کردار اشو زرتشت آرمانی است . بشود که افزاینده و جاویدان ، آن پیام رسانان دین ، گاتها را پیش گیرند و پیام را گسترش دهند . نماز به شما ای گاتها (کهنه ترین و مقدسترین قسمت اوستا) ، ای سروده های راستین !

.....

اشم وهو - در راه راستی

راستی بهترین نیکی است . خرسندی است .

خرسندی برای کسی است که راستی را برای بهترین راستی بخواد .

یتا اهو - سرور و رهبر برگزیده

بسائی که سرور هستی را باید تنها از روی راستی برگزید ، به همان سان رهبر درستی را باید پسندید . این دو دهش برگزیدن را منش نیک ارزانی داشته تا کار های زندگانی به نام و برای خدای دانا انجام گیرند . همچنین شهریاری از آن خدا است که آباد کننده یی را برای باز آباد گردانیدن دینداران ستمدیده گمارده است .

اهنود گات

سرود یکم - اهیایاسا

نیایش

1 - ای اهورامزدا، ای خداوند جان و خرد ، سرم در نمازت خم است و دستهایم افراشته. پیش از هر چیز ، یاری خرد افزاینده ترا خواستارم . می خواهم با کارهای راست و درست و پاک خود که از خرد بادانش نیک انجام گیرند ، ترا و روان جهان زنده را شاد سازم .

2 - ای خدای توانا ، با اندیشه نیک نزد تو می آیم . مرا از راه راستی و درستی ، نیکی و بهره هردو هستی ، تنی و مینوی ، را ارزانی دار تا یارانم را به آسایش و آرامش برسانم.

3 - ای راستی وای منش نیک ، من برای شما سرود گویانم ، سرودهایی که تاکنون کس نسروده . همچنین برای خدای دانا سروده می خوانم و نیز برای کسانی که برایشان آرامش ، شهریاری شکست ناپذیر را گسترش می دهد . به نیایشم گوش کنید ، به یاریم بشتابید .

4 - بیگمان ، من روانم را با اندیشه نیک همساز می کنم و می دانم که هر کاری که برای خدای دانا انجام می گیرد ، چه پاداشی دارد . تا تاب و توانایی دارم ، همه را خواهم آموخت که چگونه از راستی پیروی کنند .

5 - من منش نیک را دریافته ام . پس ای کی ای راستی ترا خواهم دید؟ کی راه خدای توانا را خواهم یافت ؟ کی آوای درونی مزدایی را خواهم شنید ؟ ما با پیام مهین برزبان ، ددمنشان را در برگزیدن دین به راه خواهیم آورد .

6 - مزدا ، از منش نیک برس واز آیین راستی زندگانی درازی را ارزانی دار.خدایا ، با سخنان راستین خود مرا که زرتشت هستم و یارانم را یاری کن و نیرو بخش تا آزار بدخواهان را از میان برداریم .

7 - ای راستی ، آن نیکی و بهره را ارزانی دار ، که نیک منشی اش می نامند. ای آرامش درونی، آرزوی گشتاسب و مرا برآر. آری ، ای مزدا ، آن نیرو و توانایی را بخش که پیام اندیشه انگیزترا با کامیابی به همه برسانیم .

8 - ای که با بهترین هستی و با بهترین راستی هماهنگ هستی ، با مهر و دل بستگی ، بخششهای نیک منشی و درست اندیشی را برای خود و فرشوشترا رادمرد . دیگر یاران برای همیشه می خواهم .

9 - ای خدای دانا ، با بودن این بخششها ، از ما کاری سر نزنند که شما و راستی و بهترین اندیشه را بیازاریم . ما همه باهم شمارا می ستاییم زیرا شما را که پیشبرندگان توانا هستید ، سزاوار ستایش می دانیم .

10 - ای خداوند جان و خرد ، کسانی را که نیکوکار و نیک انیش و بر راه راستی و درستی می بینی ، کامروا ساز ، بسی کامروا. نیک می دانم که هیچ نیایشی نیست که از جان و دل برآید و بی پاسخ بماند.

11 - ای خدای دانا ، تو همواره آیین راستی و منش نیک را استوار داشته ای ف مرا چنان بیاموز که اندیشه های خرد و گفته های زبان ترا باز گو کنم . خواستم آموزشهایی است که از آنها بهترین زندگانی پدید آمده است .

اهنود گات

سرود دوم - خُشیبیاگنوش اُروا

برگزیده شدن زرتشت به سروری و رهبری

1 - روان جهان نزد شما بگریست: " چرا مرا ساختید ؟ که پیکرم را تراشیده ؟ مرا خشم و زور و ستم به ستوه کشانده اند. من جز شما آباد کننده دیگری را ندارم . مرا با کسی آشنا سازید که نیکو و سود بخش و آباد کننده باشد. "

2 - آنگاه سازنده جهان از راستی پرسید: " کدام رهبر درستی را در جهان در دیده داری که بتواند او را توش و توانایی بخشد ؟ چه کسی را می خواهی که سرور هستی او شود تا هم خشم را و هم آزار دروغکاران را پس براند ؟ "

3 - راستی پاسخ گفت: " کسی را که هم بی آزار باشد و هم دوست جهان ، هیچکس . از اینان که در پیش ما هستند کسی را نمی شناسم که زیر دستان را برای یاری زیردستان برانگیزد و گرنه ، من به آوای او که در اینان تواناترین می بود ، بیدرنگ می شتافتم. "

4 - خدای دانا بهتر از همه آگاه است که مردم در گذشته به نام خدایان پنداری خود چه ها کرده اند و در آینده چه ها که نخواهند کرد . او خود داور است . مارا همان شود که او می خواهد. "

5 - پس بهتر است که من و روان جهان بارور دستها را به سوی خدای دانا بلند کنیم و مهربانیش را بخواهیم : آیا کسی که با راستی و درستی می زید ، زندگانی نخواهد داشت؟ آیا در میان دروغکاران ، کسی که جهان را می پرورد ، نخواهد برخواست ؟ "

6 - خدای دانا که از راز زندگانی به خوبی آگاه می باشد ، گفت : " پس هیچ کس را نمی شناسی که از روی راستی و تنها راستی سرور هستی و رهبر درستی شود؟ اما ، ای راستی ، من ترا برای مردمانی آفریده ام که خود آباد باشند و دیگران را آباد سازند ! "

7 - خدای دانا با راستی هماهنگ است ، پیام خود را در پاسخ در خواست شیرین جهان آماده می سازد زیرا از روی آیین ، او نگرهبان کسانی است که از وی پناه می خواهند . او می پرسد : " ای منش نیک ، آیا تو کسی را می شناسی که مردم را یاری کند ؟ "

8 - " آری من می شناسم ولی تنها یک کس را. او به آموزشهای ما گوش می داده . او زرتشت اسپنتمان است . ای مزدا ، او آماده است تا این پیام را برای راستی ، از راه سرود هایش به مردم برساند. پس چه بهتر که به او شیرینی زبان داده شود. "

9 - آنگاه روان جهان باز بگریست: " چه ، مرد ناتوانی را با آن آوای ناتوانش به سروری بپذیرم ! من فرمانروای پُرزوری را می خواهم . کی آن روز خواهد دمیدکه او با بازوان توانای خود مرا یاری دهد ؟ "

10 - (ولی پس درنگی) " ای خدا ، شما به وی از راه راستی و منش نیک نیرو و شهریاری ارزانی دارید تا او آبادی و آرامش پدید آورد . من هم او را ، ای اهورامزدا ، بهترین برگزیده تو می دانم. "

11 - " راستی و منش نیک و شهریاری به سوی من خواهند شتافت ؟ ای خدای دانا، این آیین و دین
نو را که به نام انجمن مغان و همبستگی جهانی بنیاد یافته ، بشناس و بپذیر، خدایا ، به ما یاری بخش
. ما چشم برای مهربانی تو می باشیم ."

اهنود گات

سرود سوم - ات تا وخشیا

نیکی ویدی

1 - اینک برای آنان که خواستار شنیدن هستند ، از آن دو راه اندیشیدن سخن می رانم که برای فرزندگان دو نکته ویژه می باشند . همچنان ، به نیایش خدا پرداخته ، از نیک منشی و نیک اندیشی ستایش خواهم کرد و از آیین راستی و درستی و پاکی گفتگو خواهم داشت تا شما در روشنایی بوده به خرسندی برسید .

2 - پس بهترین گفته ها را با گوش بشنوید و با اندیشه روشن بنگرید . سپس هر مرد و زن از شما ، از این دو راه ، یکی را برای خود برگزینید . این آموزش را پیش از آن که روز بزرگ ، روز برگزینی راه زندگانی ، فرارسد ، در یابید و نیک بفهمید .

3 - اینک در آغاز زندگانی ، این دو شیوه اندیشیدن که همزاد پنداشته می شوند ، خود را در اندیشه و گفتار و کردار ، چون بهتر و بد هویدا می سازد . از این دو ، آن فرزندگان هستند که درست برمی گزینند ، نه بد اندیشان .

4 - هنگامیکه این دو شیوه نخست بهم رسیدند ، " جان " و " نازندگانی " را آفرینند . تا پایان هستی ، بدترین اندیشه برای دروغکار و بهترین اندیشه از آن راستکار خواهد بود .

5 - از این دو اندیشه دروغکار بدترین کار ها را و پیشرو ترین اندیشه که چون کوهی استوار است ، راستی و درستی را برگزیند . همانا آنان که می خواهند خدای را خشنود سازند ، به کار های راستین می پردازند .

6 - در این میان ، جویندگان خدایان پنداری نتوانسته اند که روش درستی را برگزینند زیرا فریب گفتگوها را خورده اند و بدترین اندیشه را برگزیده ، روی به خشم برده اند و زندگانی مردم را به تباهی کشانده اند .

7 - به کسی که راه نیکی را بر می گزیند ، از نیرو و نیک اندیشی و راستی ، توانایی تن و آرامش پایدار می رسد . از میان مردم ، او از آن تست زیرا او از آزمایش آتشین پیروز برآمده است .

8 - اما همینکه این گناهکاران کیفر خود را می چشند ، توانایی ترا ، ای خدای دانا ، از راه منش نیک در می یابند و می آموزند که چگونه دروغ و آزار را رها کرده ، به راستی روی بیاورند .

9 - پس بیایم و از کسانی شویم که این زندگانی را تازه می کنند و جهان را نو می سازند . ای خداوندان خرد ، ای اندیشمندان و ای آورندگان خرسندی از راه راستی و درستی ، بیایید ، همه در آنجا که دانش درونی است ، یکپارچه همراه باشیم .

10 - آنگاه است که زور دروغ درهم می شکند و آنان که در نیک نامی کار و کوشش می کنند ، بزودی در سرای زیبای منش نیک خدایی و راستی بهم می پیوندید .

11 - ای مردم ، اگر شما این دو دستور آرامش و نآرامی را دریابید که خدای دانا گذاشته و آن این است که زیان دیرپا از برای دروغکار است و فروغ بی پایان از برای راستکار ، هرآینه به خرسندی و شادکامی خواهید رسید .

اهنود گات

سرود چهارم - تا و ارواتا

راهنمایی

1 - با بودن این دو راهی نیکی و بدی ، ماسخنان تازه و نشنیده را به کسانی می آموزیم که جهان را با آیین دروغ و آزار تباه می گردانند . بی گفته است که این سخنان برای کسانی که دلدادۀ خدای دانا هستند ، بسی بهتر خواهد بود .

2 - چون راهی بهتر را گزیدن کاری آسان نیست ، من چون رهبری که خدای دانا او را می شناسد ، برای هردو گروه راستکاران و دروغکاران آمده ام تا بتوانیم از راه راستی و درستی و پیاکی زندگانی کنیم .

3 - آن خشنودی را که تو می بخشی، در پرتو فروغ مینوی تو و از راه راستی و درستی به این دو گروه خواهد رسید . این برای کسی که نیک را از بد باز می شناسد ، پایه یی است . آن را ، ای خدا دانا ، برای آگاهی و روشنایی ما به ما از زبان خود بگو تا ما همه را برای برگزیدن راه راست آماده سازیم .

4 - هنگامی که کسی راستی را می خواهد ، بشود که خداوندان خرد و اندیشمندان با پاداش و آرامش آماده باشند . اینک من با بهترین دانش خود خواهان شهریارِ نیرومندِ خدایی هستم تا با گسترش آن ، ما بر دروغ و آزار پیروزگردیم .

5 - ای خدای دانا ، بگو تا بدانم که از پر تو آیین راستی ، کدام راه برایم بهتر می باشد. نیز از منش نیک آگاه کردم و دریابم که من " راست گفتار " چه دارم و چه روی خواهد داد و چه روی نخواهد داد ؟

6 - بهترین نیکی به دانشمندی برسد که پیام راستین مرا ، پیامی که از روی راستی و درستی به رسایی و جاویدانی می رساند ، به مردم بگوید و بفهماند. برای چنین کسی شهریارِ خدای دانا در پرتو منش نیک گسترش پیدا خواهد کرد .

7 - کسی که نخست چنین اندیشید که باید روزگار جهان با آسایش و آرامش همراه باشد ، از خرد خود آیین راستی را آفریده و بهترین اندیشه را استوار نگاه داشته است . ای دانا ، با خرد آفریننده خود آن نیروی اندیشیدن را که تا کنون یکسان مانده ، در من بیفزای و در آن جنبشی پدید آر .

8 - ای خدای دانا ، هنگامی که ترا در اندیشه خود سرآغاز و سرانجام آفرینش شناختم ، با دیده درونی دریافتم که بر راستی تویی پدر منش نیک ، تویی آفریننده راستی و تویی سرپرست کارهای زندگانی .

9 - دریافتم که آرامش از تست ، خرد جهان آفرین از تست وای خداوند جان و خرد ، آن اندیشه از تست که جهان را راه نمود و آزاد گذاشت تا اگر بخواهد ، کسی را برگزیند که آباد گر است و اگر نه ، روی به کسی ببرد که با آبادی و شادی کاری ندارند .

10 - اما جهان از این دوکس ، آباد گر را که همواره در پیشرفت است ، برگزید . آن کسی را برگزید که سرور و راستکار و افزایشده و گسترنده منش نیک است . ای مزاد، کسی که آباد گر نیست و فریبکار است ، پیام نیک را گسترش نمی بخشد .

11 - ای خدای دانا ، هنگامی که نخست تو با اندیشه خود ، زندگانی و وجدان و خرد را آفریدی و جان را در تن دمیدی ، توانایی کردار و گفتار را بخشیدی تا هرکس هر راهی را که می خواهد ، آزادانه برگزیند .

12 - از این روی ، هرکس ، چه دروغگو باشد و چه راستگو ، چه دانشمند باشد و چه بی دانش ، آنچه را که در دل و سردارد ، آشکار می نماید . به پیروی از این بنیاد ، انسان می تواند در آرامش از خود بپرسد: هرکدام از این دو شیوه اندیشیدن ، مرا به کجا می رساند ؟

13 - ای خدای دانا ، پرسشهایی که یک کس آشکارا یا در نهان می کند یا در برابر آزار کوچکی ، سزای بزرگی می بیند ، همه اینها را تو چون نگهبانی با چشمان تیز بین خود از راه راستی می بینی .

14 - خدایا ، این از تو می پرسم : چه ها می شود و چه ها خواهد شد؟ آینده کسانی که از راستی پیروی می کنند ، چیست ؟ و آینده کسانی که از روی کاستی رفتار می کنند، چیست ؟ باری ، سرانجام کار چه خواهد بود ؟

15 - خدایا ، این از تو می پرسم : سزای کسی که زور دروغکار بدکردار را می افزاید یا کسی که در زندگانی هیچ کاری جز آزار مردم آباد و بی آزار و جانوران شان را ندارد ، چیست ؟

16 - این از تو می پرسم : چگونه نیکوکاری که برای افزایش نیرو و توانایی خانه ، آبادی ، شهر و کشور خود از روی آیین راستی تلاش می کند ، با کردار خود مانند تو ، ای خدای دانا ، خواهد شد ؟

17 - کدام راه بهتر و برتر است ، آن که راستکار برمی گزیند یا آن که دروغکار ؟ این سخن را باید دانشمند به دانشجو بگوید تا دیگر کسی که بی دانش است ، مردم را نفریبد ؟ ای خدای توانا ، تو منش نیک را بما بنما .

18 - پس هیچ کس از شما به آیین و آموزش دروغکار گوش ندهد زیرا او بیگمان خانه و آبادی و شهرو کشور را آزار و آسیب می رساند و نیز مرگ می آورد . پس او را با جنگ آزار چنان درست کنید که از کار خود باز آید و به راه آید

اهنود گات

سرود پنجم - اخیا چا خونتئش

گمراهی

1 - ای دیوان ، ای فریبکاران ، خواه کسی از مردم خانه باشد ، خواه از آبادی و خواه از انجمن دوستی جهانی ، همه به آیین من برای خرسندی خدای دانا دست به نیایش هستند و می گویند : " پیامبران تو باشیم و کسائی را که بدخواهان تو هستند ، باز بداریم ."

2 - در پاسخ نیایش کنندگان ، خدای دانا که از شهریاری خود با منش نیک همراه و با راستی درخشان همگام است ، گفت : " ما آرامش نیک شما را که در افزایش و گسترش است ، می پسندیم . " (نیایش کنندگان گفتند) " آن از آن ما باد "

3 - آموزگار بد ، سخنان دین را بر می گرداند و با این بد آموزی خود زندگانی خردمندانه را تباه می کند. بدینسان مردم را از داشتن سرمایه گرانبهای اندیشه نیک باز می دارد . من با این گفته هایی که از خرد بر می آیند ، نزد شما ، ای خدای توانا و ای راستی ، گله می کنم و پناه می خواهم .

4 - آن کس آیین پاک را تباه می کند که نگرستن جهان و خورشید را با چشمانی روشن از بدترین کارها می پندارد و نیک اندیشان را در برابر دروغکاران می گذارد و بردرستکاران شمشیر می کشد. ...

یاداشت : با ادای ادب ، آموزش سلسله " اهنود گات " بترتیب زیر نام : سروده ششم ، سروده هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و دوازدهم و سیزدهم و چهاردهم . پانزدهم و شانزدهم با جزییات آن بهمین منوال ، ادامه دارد . اما ما جهت ادله کلام خواستیم از ذکر همه ای آنها کنار آییم . و در فرجام به نمونه " اهنود گات سرود هفدهم " بسنده کنیم .

وهشتو اشت گات

سرود هفدهم - وهیشتا ایشتی

بهترین آرزو

1 - بهترین آرزوی زرتشت اسپنتمان برآورده شد زیرا خدای دانا از پرتو راستی به وی فراوانی جهان مینوی و مادی و زندگانی نیک برای همیشه ارزانی داشته است و تا این که کسانی که با وی دشمنی می ورزیدند ، اکنون گفتار و کردار دین بهی را آموخته اند .

2 - بشود که کی گشتاسب ، زرتشتی اسپنتمان و فرشوشتر همواره با اندیشه و گفتار و کردار خود ، برای ستایش و بزرگداشت ، خدای دانا را خشنود سازند تا راه های راست دینی را که خدا به سود رسانان نموده ، ببینند .

3 - (زرتشت به دخترش) اورا ، ای پوروچستای اسپنتمان هیجدسبان ، ای کوچکترین دختر زرتشت به تو بدهد که همواره با منش نیک و راستی و خدای دانا است . با او خردمندانه همپرسی کن و با دانش نیک و افزاینده ترین آرامش سود مند رفتار بکن .

4 - (پور چستان) بیگمان او را به همسری و برابری خود برمی گزینم تا آن برای پدر و مادر و سرور و خانواده و آباد گران سر افزای به شمار آید . بشود که روشنایی منش نیک به من برسد زیرا زنی راستکار در میان مردم راستکار می باشم . بشود که خدای دانا به من دین بهی را برای همیشه ارزانی دارد .

5 - (زرتشت) سخنم با شما است ، ای نو عروسان وای تازه دامادان ! آنرا در مغز خود جای دهید و در درون خود دریافته ، زندگانی را با منش نیک بسر کنید . بشود که هر یک از شما بر دیگری در راستی برتری بجوید . بی گمان ، چنین تلاشی زندگانی هر کدام از شما را کامیاب خواهد ساخت .

6 - ای مردان و ای زنان ، در این جهان این راست که دروغ دلریا وای می نماید ولی این هم راست است که آن شما را از خویشتن دور می گرداند. انجام آن بدنای وناآرامی است . آن شادی دروغکاران را تباه می سازید . آن راستی را می شکند . با چنین کار ها است که شما زندگانی مینوی را برباد می دهید .

7 - اما بهره انجمن مغان تا روزی از آن شماست که در زندگانی زناشویی ، چه در فراخی وچه در تنگی ، دارای والاترین مهر و مهربانی هستید. از این راه است که شیوه اندیشه دروغ کارنابود می گردد . اگر شما این انجمن را رها کردید ، واپسین سخن شما « وای » خواهد بود .

8 - باین کار هاست که بدکاران فریب می خورند و چون با ریشخند روبرو می شوند ، بر یکدیگر فریاد می کشند. بشود که بدستیاری فرمانروایان خوب ، آسیب و کشتار بند آید و آرامش به خانه ها و آبادیها درآید و آزار ناپدید گردد . آن کس از همه والاتر است که راه کشتن را می بندد. بشود که چنین کاری هرچه زودتر انجام گیرد !

9 - کار با بد باوران از ارج یک کس می‌کاهد . اینان خشمگینانی هستند که راستی را می‌شکنند. اینان بزهکاران اند . کجا است سرور راستکار که در برابر اینان با جان و دل آزادانه بایستد ؟ آن ، ای خدای دانا ، در شهریاری تست که به ستم‌دیده راستکار ، بهتری می‌رسد .

برداشت آشوزرتشت ، پس از دیدن سختی‌ها و نرمی‌ها ، سرانجام با زبان شیوا و شیرین رفتار زیبا و دلنشین خود در کار خود کام می‌یابد . ومی بیند که دشمنانش نیز دین بهی را برگزیده اند . یاران نزدیک خود را برای کوشش هرچه بیشتر در راه دین دلگرم می‌سازد . باری در آیین پیوند کوچکترین دختر خود ، نه تنها به او اندرزهایی برای برگزینش همسر و خدمت بیشتر به دین بهی می‌دهد ، بلکه همه عروسان و دامادان را پند می‌دهد و می‌گوید که کشش دروغ ، فریبی بیش نیست که سرانجام پشیمانی می‌آورد .

باید زن و مرد دست به دست هم داده ، با آن بچنگند و آنرا از میان برده ، جهانی پدید آورند که در آن مهر و دوستی ، آشتی و آرامش ، شادی و رامش باشد . زن و مرد باید در تنگی و آسودگی باهم بسازند و از هم جدا نگردند . زیرا جدایی آنان خانه و خانواده را از هم می‌پاشد و بر باد می‌دهد . بر باد رفتن خانه به سازمان دوستی جهان که آرمان همه است ، زیان می‌رساند . باید پایه همبستگی در کار و کوشش و مهر و دوستی از همان خانه که کوچکترین یگان اجتماع است ، آغاز گردد و استوار بماند تا انجمن مغان پایدار بشود و پیش برود .

هفت هات

یاد داشت : هفت هات یابه اوستا « هپتنگ هائیتی » یا به پارسی میانه « هفتن یشت » نام هفت سروده است که گفته یک یا دو وشاید هم بیشتر از یاران نزدیک زرتشت می باشند . هفت هات ، پس از گاتها ، پاکترین و والاترین بخش گرد آورده اوستا است و چون گات ششم بشمار می آمده ، و بخشی از کاتها خوانده می شده و از آنجاییکه هفت سرود بوده ، در گیرد آوری ستوت یسن ، آن پس از اهنود گات که آن نیز هفت سرود، اما درازتر از این دارد ، گذاشته شده است . هرکدام از سروده های هفت هات نیایشی نغز درزمینه ویژه یی است. در برابر گاتها که دست نخورده مانده ، در هفت هات دست هایی برده شده که خوشبختانه بیشتر آنها برای روشن شدن گفته یی افزوده شده اند و همین دسبردگی هفت هات را از شعر به نثر در آورده .

سرود یکم

سرآغاز

1 - خدای دانا (راستکار و رهبر راستی) را گرامی می داریم . افزایشندگان جاویدان (فرمانروایان خوب و دانایان خوب) را گرامی می داریم . همه هستی راستکار ، چه مینوی (معنوی) و چه مادی را گرامی می داریم . افزون باد راستی خوب ، افزون باد دین بهی (مزدا پرستان) .

متن

- 2 - ما از اندیشه ، گفتار و کردار نیکی که هم اکنون می شود یا پس از این خواهد شد، می باشیم . پس ما ستاینندگان و در خواهندگان آنچه نیکو است می باشیم .
- 3 - خدایا ، ما آنچه اندیشیده ایم و گفته ایم و کرده ایم ، (از راه راستی زیبا) برگزیده ایم. از این کارها ، بهترین برای دوهستی (مینوی و مادی) باد .
- 4 - برای جهان زنده ، با کاری که بهترین هستند ، در می خواهیم که آرامش و آبادی بر دانا و نادان ، بر توانا و ناتوان ارزانی شود .
- 5 - "توانی از آن تواناترین باد. " این است آنچه ما برای خدای دانا و بهترین راستی پیکش میکنیم ، آگهی می کنیم ، نیایش می کنیم .
- 6 - هرچند یک مرد یا زن راستی را بیشتر دریابد ، بهتر است . او باید خود ، آن را نیک به کار بندد و به دیگران بگوید تا آنان نیز آن را چنان که شاید ، ورزند.
- 7 - ما و جهان زنده برای خدای دانا بهترین نیایش و ستایش را داریم . این را برای تو می ورزیم و (تا آنجا که می توانیم) به دیگران فراز می گوییم.
- 8 - در سرای راستی ، در انجمن راستی ، برای همه و هرکس بهترین آرزو (پاداش) هر دو زندگانی است .
- 9 - با اندیشه بهتر، ای خدای (دانا ، بر راستی) این سخن ها را فراز گفته ایم و ترا نگهبان و آموزگار اینها می دانیم .

10 - از روی راستی و منش نیک و شهریاری نیک ، (ای خدا) با ستایشهای شایان تو ، با سخنهای درخور تو ، با نمازهایی ویژه تو ، (ترا نگهبان و آموزگار اینها می دانیم).

برداشت : پس از نیایش به درگاه آفریدگار ، همه آفریدگان را گرمی می دارند و آگاهی می دهند که اندیشه و گفتار و کردار نیک را برای زندگانی مینوی و مادی خود برگزیده اند و آبادی و آسایش را برای همه جهانیان می خواهند . هرکدام از نماز گزاران نه تنها خود به نیکوکاری پرداخته بلکه تا آنجایی که می تواند ، پیام خدا را به دیگران می رساند و آنان را بر راه راستی و آبادانی می آورد تا نیکویی در جهان بهره همه جهانیان شود .

سرود دوم

1 - در پیرامون این آتش ، پیش از هر چیز ، ای آهورا مزدا ، ای خدای دانا ، ما پیش تو ، آری پیش تو می آییم . از راه افزاینده ترین مینو ، آن اندیشه روشن تو درود بر کسی که او را تو گرمی می سازی .

2 - ای بهترین شادیهها ، ای آتش (خدای) دانا ، پیش آوبه سوی ما بشتاب . از راه بهترین نمازها ، در بزرگترین روز بسوی ما بشتاب .

3 - آتش ، تو از آن خدای دانا هستی ، تو افزاینده ترین مینو او هستی ، و این از شایسته ترین نام های تو است . ای آتش خدای دانا ، و با این نیایش ، ما گرد تو می آییم .

4 - گرد تو با منش نیک ، گرد تو با راستی نیک ، گرد تو با اندیشه ، گفتار و کردار نیک می آییم .

5 - (به تو ، ای خدای دانا ،) نماز می گزاریم و از تو در خواست می کنیم ، گرد تو با همه اندیشه ها ، و گفتار های نیک می آییم .

6 - ای خدای دانا ، از این روشنی ها ، آن را که والاترین است و خورشید خوانده می شود ، بهترین پیکره تومی گوئیم .

برداشت : نماز گزاران پیرامون آتش برزن خود گرد هم آمده اند ، گویا روزی است که کسانی در آیین ویژه گروه به دین بهی آماده اند زیرا آن روز را « بزرگترین روز » زندگانی خود می خوانند . آتش چون قبله در میان روشن و فروزان است . آن نماد « خرد افزاینده خدایی » است . آن نمودار روشنایی است که خدا برای پیشرفت آفرینش آفریده .

همه خدای دانا را در اندیشه خود دارند و به او نماز می گزارند و از او یاری و راهنمایی می خواهند . باز پسین بند سرود نشان می دهد که نماز دیگر در روز روشن و هوای آزاد برگزار می شود . نماز گزاران روی به خورشید کرده به نیایش می پردازند .

نا گفته نماند که در آغاز تا سالیانی سال بهدینان یا در خانه یا در برزن روی به آتش کرده یا در روز روشن زیر خورشید درخشان ، نماز تکی یا گروهی خود را برگزار می کردند و آن در زمان هخامنشیان بود و آن هم پس از داریوش و خشایارشا ، که از همسایگان خود برای خود پرستشگاهی در ساختمانهای ویژه داشتند ، آتشکده برپا کردن را آموختند . آتشکده سازی از زمان اردشیر دوم ، شاهنشاه هخامنشی (1333 تا 1379 دینی و 404 تا 385 پیش از میلادی) آغاز شد .

سرود سوم

- 1 - اینک گرامی می داریم خدای دانا را که جهان زنده و (راستی را آفرید) ، آب و گیاه و (روشنایی های نیک را آفرید) ، زمین و هرچیز نیکو است آفرید .
- 2 - اینک او را از نیرو و بزرگی و هنرش با بهترین نماز ها ... گرامی می داریم / (ما که آرام با جهان زنده بسر می بریم) .
- 3 - اینک او را با نامهای خدایی ، داناترین ، افزاینده ترین (گرامی می داریم) او را با تن و روان خود گرامی می داریم . (او را و فروهر های راستکاران مرد و زن را گرامی می داریم) .
- 4 - بهترین راستی را گرامی می داریم که زیبا ترین ، افزاینده ، جاویدان ، روشن و (همه) نیک است .
- 5 - منش نیک ، شهریاری نیک ، دین بهی ، خرسندی نیک و آرامش نیک را گرامی می داریم .

سرود چهارم

- 1 - ما با زنان خود وزنانی دیگر که ، ای خدای (دانا) از راه راستی به تو گرویده اند ، این زمین را که ما را در بردارد ، گرامی می داریم .
- 2 - آرزو، یگانی ، تازگی ، و آرامش و (ازینها) پاداش نیک ، خواهش نیک ، نیایش نیک ، آیین نیک (و فراوانی نیک) را گرامی می داریم .
- 4 - ای خوبان ، اینها هستند نامهای شما که خدای دانا داد ، دهنده نیک داد . با این نامها شما را گرامی می داریم ، دوست می داریم ، نماز می گزاریم، در می خواهیم .
- 5 - شما را ای آبها ، ای ابرها ، ای مادران ، ای شیر دهندگان ، ای باز آباد کنندگان همه ستمدیدگان ، ما بهترین و زیبا ترین خوانده ایم .

سرود پنجم

- 1 - اینک گرامی می داریم روان جهان و آفریننده اش را و روانهای خود و جانوران خانگی را که ما را زنده می دارند و روانهای کسانی را که از آن تو هستند و جانورانی که به اینان وابسته می باشند .
- 2 - روانهای یا ورانی را که از داد پیروی می کنند گرامی می داریم و روانهای راستکاران را ، هرکجا که زاده باشند ، (مرد باشند یا زن) ، گرامی می داریم ، آنانی را که با وجدانهای نیکشان پیش می روند ، پیش رفته اند یا خواهند رفت .
- 3 - اینک زنان و مردان نیک افزاینده ، جاویدان ، همیشه پیروز و همیشه افزون را گرامی می داریم ، زنان و مردانی را که آرام با منش نیک بسر می برند .

4 - بسانی که تو ای خدای دانا ، نیک اندیشیدی ، گفתי ، گزاریدی ، و ورزیدی ، همانسان ما پیشکش می کنیم، آگهی می نماییم و از این راه ، ترا گرامی می داریم . (ترا ، ای خدای دانا) نماز می گزاریم و در می خواهیم .

5 - از کانون گرم خانواده و راستی نیک برخوردار بوده ، با خرسندی نیک و آرامش نیک گرد تو می گردیم .

سرود ششم

1 - در این دهشها ، ای خدای دانا ، هوش نیز هست . آنرا با مهربانی خود نیرومند ساز تا آن افزونی یابد . این (دهشی) است که تو ، ای خدای دانا ، به ما مردم برای وجدانهای مان داده ای .

2 - از آن (هوش) به ما برای این است و آن که مینوی است ، ارزانی دار تا ما به دوستی تو و راستی (برای همیشه) نزدیک گردیم .

3 - ای خدای (دانا) آن (هوش) را به کسانی بده که راستکار ، راستی جو ، کمک کار و دیر آباد هستند تا آنان انجمن دوستی (ما و یاران ما) را با دل و جان افزایشند .

4 - از این راه است که ما به خویشاوندان ، همسایگان و یاران خدمت می کنیم . ای خدای (دانا) از راه این مهربانی که بر راستی آرزوی ما است ، ما خود نیز از راستکاران شویم .

سرود هفتم

1 - ستایش ، سرایش و گرایش به خدای دانا و بهترین راستی پیش می کنیم ، آگاهی می نماییم و به همه می گوییم .

2 - (باری) شهریارِ نیک تو ، ای خدای دانا ، برای همیشه باد و بشود که فرمانروای خوب ، خواه مرد و خواه زن ، (بر ما) ای داناترین هستیان ، در هردو هستی فرمانروایی کند .

3 - ترا ابردانا ، کوشا ، پرستیدنی و همدم راستی می دانیم ، ای داناترین هستیان ، در هردو هستی جان و تن ما باشی .

4 - از مهربانی تو ، ای خدای دانا ، زندگانی دراز یابیم و از آن سود بریم . از تو کوشا و توانا باشیم . ما را آشکارا و همواره یاری کن ، (ای دانا ترین هستیان) .

5 - چون ستایشگران و اندیشه انگیزان تو ، ای خدای دانا ، خود را می خوانیم و می خواهیم و در می خواهیم زیرا این دهشی است که تو ، ای خدای دانا ، به ما مردم برای وجدانهای مان داده ای

ینگه هاتام

گرامی داشت نیکان

بی گمان اهورا مزدا ، خدای دانا مردان و زنانی را که از روی راستی پرستاری می کنند ، بهتر می شناسد . ما نیز چنین مردان و زنان را گرامی می داریم .

برداشت : در دین بهی زن و مرد برابر یکدیگر اند . هرکدام از آنان میتواند در راستی و درستی بر دیگری برتری یابد. آنچه به شمار می آید ، پرستش آنان از آفریدگار و پرستاری و خدمت از آفریدگان است . هرچند کسی بیشتر از جهان زنده پرستاری کند ، به خدای خود نزدیکتر می گردد . ما نیز به چنین کسی ارج می گزاریم و او را گرامی می داریم زیرا در دین بهی است که پرستاران جهان و جهانیان شایسته ارج گذاری می باشند .

سر چشمه « ینگه هاتام » بند بیست و دوم سرود شانزدهم آشو زرتشت می باشد. در آنجا چنین آمده است :

" نزد من هرکسی از روی راستی رفتار کند ، خدای دانا او را در برابر پرستش و خدمت بهتر می شناسد . از چنین کسانی ، وجه آنانیکه هستند ، من با نام یاد می کنم و با مهر گرد آنان می گردم ."

ینگه هاتام که در نماز های روزانه کیش زرتشتی بار ها خوانده می شود ، ارج گذاری پی در پی است که نمازگزاران از زنان و مردان راستکار و درستکردار زنده و مرده می کنند .

فشو شو مانتر

پیام فراوانی

1 - ما این سود و این پیروزی را که نماز نیک نهاد و پیوسته به نیکی و آرامش است ، پیشکش می کنیم زیرا آن بر اندیشه و گفتار و کردار نیک استوار است .

2 - این نماز ما را از آزار دیوان و مردمان نگاه می دارد . ما این نماز را برای پناه ، پاسبانی ، نگهداری و سرپرستی جان و تن خود می خواهیم .

3 - ای خدای دانا ، ما از نماز لذت می بریم و در آن آنچه می خواهیم می گوییم . ما به نماز می گراییم و آن را برای پناه ، پاسبانی ، نگهداری و سرپرستی جان و تن خود خوانیم .

4 - آباد گر راستکار پیروز و بهترین است. او را گرامی می داریم . او پدر جهان و آیین راستی و راستکاران و راستجویان است . او نیکی بخش راستین زندگانی است . از او است که بزرگی ، بهی و زیبایی ترا گرامی می داریم . بشود که آباد گر همواره با راستی و آبادانی و دانش و مهربانی به دستیاری فروغ خدای دانا ما را بپاید و نگاه دارد .

5 - همانگونه که ما را آیین دادید ، ای افزایشندگان جاودان ، ما را ، ای مردان نیک پناه دهید ، ما را ای زنان نیک پناه دهید . ما را ، ای افزایشندگان جاویدان ، ای شهریان نیک و ای بخشندگان نیک پناه دهید . " من جز شما کسی را نمی شناسم ، پس ما را در پر تو راستی پناه دهید . "

6 - ما اندیشه وگفتار وکردار خود را وجانوران ومردمان خود را به خرد افزایشده خدایی می سپاریم . ما آبادانی درست ، جانوران درست را با تندرستی ورسایی بهره مندان (به خرد افزایشده خدایی می سپاریم) . ما باید همه آفریدگان آفریدگار را ، با روشنایی هایی را که خدا دانا آفریده ، با دیده روشن بنگریم .

7 - نماز به تو ای فروغ خدای دانا ، برای یاری شادی بیدریغ، " در بزرگترین روز (زندگانی ما) بسوی ما شتاب " وما را رسایی وجاویدانی ارزانی دار .

8 - سراسر شیرازه " ستوت یسن " را با برترین بندهای سرود هایش گرامی می داریم . .. ستوت یسن را گرامی می داریم زیرا آن (دارای) نخستین بنیاد های زندگانی است .

برداشت : فثوشومانتتر : به معنی پیام اندیشه انگیز افزونی و فراوانی یا به کوتاهی نیایش فراوانی است . در این نیایش نخست از کسی که انگیزه آبادانی وفراوانی جهان وراهنمای آیین راست است ، ستایش شده که همانا اشو زرتشت می باشد . سپس از افزایشندگان جاویدان که در آن زمان برای یاران مرد وزن زرتشت وکارگذاران دین به کار می رفت ، رهنمایی و کمک خواسته شده وآگاه خود وکسان خانواده و جانوران را به خرد پاک افزایشده می گذارند تا با اندیشه وگفتارو کردار نیک ، بویژه با روشن بینی ، برای همه زندگانی خوبی را فراهم کنند. در این جا اشاره یی نیز به روز بزرگ ، روز گزینش دین وزندگانی آینده که برآن استوار باشد ، شده واز فروغ خداوندی یاری خواسته شده است.

هدنوخت - هادخت

پیام شنیدنی

1 - بشود که سروش ، نیوشایی به پیام خدایی برای گرامی داشت خدای دانا که سود مند ترین راستکاران است ، باشد زیرا آن را از آغاز تا پایان زندگانی خواسته ایم . آری ، بشود که سروش برای گرامی داشت خدای دانا که سود مند ترین راستکاران است ، زیرا آنرا از آغاز تا پایان زندگانی خواسته ایم .

2 - پس از آن ، بشود که سروش برای گرامی داشت باورهای راستکاران باشد زیرا آن را از آغاز تا پایان زندگانی برای روانهای خود خواسته ایم . آری ، بشود که سروش برای گرامی داشت باورهای راستکاران باشد زیرا آن را برای روانهای خود خواسته ایم .

3 - پس از آن ، بشود که سروش برای گرامی داشت نیکان وافزاینندگان جاویدان که شهریان نیک وبخشندگان نیک هستند ، باشد وبرای گرامی داشت نیکی مردان و زنان نیک که برای ما در پیروی از راستی راهنما هستند ، باشد . پس از آن بشود که سروش برای گرامی داشت بهره مندان نیک از آغاز تا پایان زندگانی باشد.

4 - آری پس از آن ، بشود که سروش برای گرامی داشت نیکان و افزایشندگان جاویدان که شهریاران نیک و بخشندگان نیک هستند ، باشد و برای گرامی داشت نیکی مردان و زنان نیک که برای ما در پیروی از راستی راهنما هستند ، باشد . . پس از آن بشود که سروش برای گرامی داشت بهره مندان نیک از آغاز تا پایان زندگانی باشد.

فرورتنی - فرورد

آیین برگزیدن دین بهی

1 - من اندیشه و گفتار و کردار نیک را در اندیشه ها و گفته ها و کرده های خود فراز می ستایم . همه اندیشه ها و گفته ها و کرده های نیک را برمی گیرم و همه اندیشه ها و گفته ها و کرده های بد را دور می ریزم .

2 - شما را ، ای افزایشندگان جاویدان ، در اندیشه و گفتار و کردار و زندگانی بلکه " با تن و جان خود نیز " گرامی و دوست می دارم .

3 - خدایان پنداری را نابود می گردانم . بر می گزینم که خدایان پنداری را نیست کرده ، مزدا پرست زرتشتی و خدایش باشم . ستاینده افزایشندگان جاویدان هستم . گرامی دارنده افزایشندگان جاویدان هستم . خدای دانای خوب و دارای خوبی را سزاوار همه خوبیها می دانم ، آن خدای راستین با فر و شکوه را که بهترین چیزها از او است ، جهان زنده از او ، راستی از او ، روشنای از او است .

4 - آرامش افزایشنده نیک را برمی گزینم . آن از آن من می گردد . جهان زنده را از دزدی و زور و زری پاک می گردانم و خاندانهای مزدا پرستان را از زیان و تباهی .

5 - به بخردانی که روی این زمین با چهارپایان زندگی می کنند ، آزادی آمد و رفت و نشست و برخاست می دهم . با نماز پاکیزه به راستی ، چنین باز می گویم که دیگر به زیان و تباهی خاندان مزدا پرست برخیزم و به جان و تن کس نگرایم .

6 - سر کار با خدایان پنداری بد ، ناباب ، ناراست و کج نهاد را می هلم (کلمه ای است به معنی خواندن به چیزی بیا) ، سروکار با خدایان پنداری و پرستندگان خدایان پنداری ، جادوان و پرستندگان جادو . آری ، دیگر سر و کاری با هیچکدام از این " بیماران تنی و روانی " که دروغکار ورنجاننده هستند ، ندارم ، نه در اندیشه ، نه در گفتار ، نه در کردار و نه در سرشت .

7 - خدای دانا چنین خواست که در همه پرسشها و پاسخها ، در همه انجمنهایی که با زرتشت گفت و شنید داشت ، به او نشان داد .

8 - و زرتشت نیز چنین خواست که در همه پرسشها و پاسخها ، در همه انجمنهایی که با خدای دانا گفت و شنید داشت ، از سرو کار با خدایان پنداری بیزار گردد . من هم که مزدا پرست زرتشتی هستم ، از سروکار با خدایان پنداری بیزار می گردم ، همانگونه که ازینها زرتشت راستکار دوری جست .

9 - با باور به آبها ، باور به گیاه ها ، باور به جهان زنده نیک نهاد ، با باور به خدای دانا که جهان زنده را آفرید و مردم راستکار را ، با باوری که زرتشت داشت ، کی گشتاسب ، فرشوشتر و جاماسب داشتند ، با باوری که هرکدام از سود رسانان راستی ورز و راستکا دارد ، با همان باور و باهمان کیش ، من مزدا پرست هستم .

10 - با ستایشها و باور ها ، برمی گزینیم که مزدا پرست زرتشتی باشیم . اندیشه نیک را می ستایم ، گفتار نیک را می ستایم ، کردار نیک را می ستایم .

11 - دین بهی (خوشی و نیکویی و خوبی) مزدا پرستی را می ستایم که یوغ بردگی را بر می اندازد و جنگ افزار را فرو می نهد ، که آزادی بخش و راستین است ، که از دینهایی که هستند و خواهند بود ، مهمترین و بهترین و زیباترین است ، که خدایی است و زرتشتی . خدای دانا را سزاوار همه خوبیها می دانم . این ستایش دین مزدا پرستی .

12 - خدای دانا را رهبر مینوی (بهشتی و جنتی) سالار خانه ، سالار آبادی ، سالار شهر و سالار کشور می خوانم . و یاد می کنم . دین مزدا پرستی (آفریدگار و خلاق عالم) را که پاداش نیک و انگیزه فراوانی است ، رهبر مینوی زنان ، بویژه او که در میان آنان راستکار است ، می خوانم و یاد می کنم . همچنین دین مزدا پرستی را رهبر مینوی این زمین که ما را چون مادر در بر دارد ، می خوانم و یاد می کنم .

13 - آتش ، آن فروغ خدای دانا را رهبر مینوی بهترین دوست هستی می خوانم و یاد می کنم . در میان مردم راستکار ، رنجبرترین و کارگرترین کس را رهبر مردم آباد گر و افزایشده می خوانم و یاد می کنم . در میان مردم ، او را که دارای نیروهای راستی است ، رهبر جنگاوران می خوانم و یاد می کنم .

14 - در میان پیشوایان ، او را که پیش از همه آگاهی دین مزدا پرستی دارد ، رهبر پیشوایان دینی می خوانم و یاد می کنم . افزایشدهندگان جاویدان و سود رسانان برجسته را که دانا ترین هستند ، رهبر می خوانم و یاد می کنم . پیشوایان دینی ، جنگاوران و آباد گران افزایشده را بزرگترین نیروی دین مزدا پرستی می خوانم و یاد می کنم .

15 - به شما ، ای افزایشدهندگان جاویدان ، ای شهریاران نیک و بخشندگان نیک ، من تن و جان و همه زندگانی خوش خود را پیشکش می کنم . این چنین از راه خرد می اندیشم و می گویم و می ورزم .

16 - بسانی که تو ، ای خدای دانا ، نیک اندیشیدی ، گفتمی ، گزاریدی و ورزیدی ، همانسان ما پیشکش می کنیم ، آگهی می نمایم . از این راه ، ترا گرامی می داریم . (ترا ، ای خدای دانا) نماز می گزاریم و در می خوانیم .

17 - از کانون گرم خانواده و راستی نیک برخوردار بوده ، با خرسندی نیک و آرامش نیک گرد تو می گردیم .

18 - جهان نیک بخش و باور جهانیان را گرامی می داریم .

19 - نیایش ؛ " یتا اهو " را گرامی می داریم . " اشم وهو " را که بهترین ، زیبا ترین ، جاویدان ، افزایشده است ، گرامی می داریم . سخنان برگزیده و ستوده دین مزدا پرستی را گرامی می داریم .

پایان ستوت یسن

برداشت: " فرورتی " به مفهوم " برگزینی " است. این واژه به پهلوی وپازند " فرورد " شده و برای آگاهی دادن از برگزینی دین بهی است که با آیین ویژه یی برگزار می شد. چنین پیداست که کسی که به دین بهی می گروید، در انجمن بر می خاست و با خواندن بندهایی که با باور پیشین وی جور می افتاد، از پندار پرستی و آزار سرشتی دوری می جست.

اگر دزد بود از دزدی، اگر زور ورز بود از زور ورزی، اگر خونریز بود، از خونریزی، اگر جادوگر بود، از جادوگری و افسون خوانی و تردستی، اگر دیوپرست بود، از دیوپرستی، بهرسان از همه بیماریهای تنی و روانی خود دست می کشید و مانند اشو زرتشت و یاران، خدایی را که می شناخت که دانای خوب و دارای خوبی است، خدای راستین و با فر و شکوه که بهترین چیزها از او است، که آفریدگار همه است.

او با خود، با برگزیدن دین بهی، پیمان می بست که در پرستش خدای یگانه، از آیین آفرینش خدا پیروی کند و به جهان و آنچه در آن است، ارج بگذارد و با همکاری دیگر مردمان که هریک در زندگانی اجتماعی دست اندر کار نیکی بودند، در آبادی جهان بکوشد.

در این یاره بلند، به چند نکته بزرگ بر می خوریم:

1 - نخست همه خدایان پنداری زدوده می شوند و اهورا مزدا، خداوند جان و خرد، خدای یگانه خوانده می شود و گوینده و گرویدن خود را به دین زرتشتی فراز می گوید.

2 - دین بهی بر پرستش اهورا مزدا استوار است، او یگانه آفریدگار، کردگار و پروردگار است و نبود و هست و نیست آفرینش با او است. او سزاوار همه خوبی ها است. او شایسته همه ستایشها است.

3 - دین بهی بر سه ستون برپا است.:

اندیشه نیک و

گفتار نیک و

کردار نیک، ... که بر چهار پایه استوار است.:

(الف) - یوغ بردگی و بندگی را برمی اندازد، (نفی بردگی انسان از انسان)

- سودجویی و بهره گیری یک کس از دیگر کسان را از میان برمی دارد، (نفی بهره کشی انسان از انسان)

- همه را همبر و همسرو برابر یکدیگر می شناسد، (گزینش اساسات توازن حقوق شهروندی)

- شایستگی یک کس را در گروه بزرگ مردم بسته به کار و کوشش او در راه راستی می داند، (تقدیر از شایستگی و راستی و خواست استقرار قانون و قانونیت).

(ب) - در جهان دشمنی ، کینه جویی ، ستیزه و جنگ را برمی کند و به جایش دوستی و آشتی و آرامش را می نشاند . (اندیشه زیست باهمی یا زندگی مسالمت آمیز)

(پ) به هرکس آزادی و آزادگی می بخشد تا تنها نیازی که مردم به یکدیگر داشته باشند ، در زمینه همکاری باشد. (اندیشه همبستگی ، همآیسی ، همگرایی و آزادی)

(ت) راستکاری و درستکاری در هر کار ، چه برای خود و چه برای دیگران . دین بهی پای بند آیین راستی و دستور آفرینش را می آموزد. (تأکید بر راستکاری و درستکاری و قانونیت)

4 - رهبری در کار مینوی و مادی تنها باکسانی است که گذشته از راستکار و درستکردار بودن ، باید در دانش و بینش و کار و کوشش از همگنان خود بسی پیش باشند . ناگفته نماند که این نکته از بند های 13 و 14 برداشته شده که در برابر بندهای 3 تا 11 که به شعر می باشند ، به نثر گفته شده اند و همانا که افزوده پسین هستند. ...

نخستین بنیاد های زندگانی

(نیایش پایان ستوت یسن)

1 - همه زندگانی خود را ، تن و استخوان و جان خود را ، کالبد و توانایی و دانایی خود را ، به گاتهای افزاینده و پیش برنده ، به شاه نماهای راستین ، پیشکش می کنم و آگاهی می نمایم.

2 - آن گاتها هستند که پشت و پناه و خوراک اندیشه ما ، که خوراک و پوشاک روان ما می باشند . بشود که آنها پس از جدا گردیدن هوش از تن ، مزد نیک ، مزد فراوان و مزد درستی برای هستی دور بشوند .

3 - بشود ستوت یسن ، با نیرو و پیروزی ، با فراوانی و افزونی ، با یاری و یاور ، با نیک نهادی و راست سرشتی ، با داد و دهش ، روی به ما کندونزد ما آید ، زیرا خدای دانا و پیروز ، آن سودمندترین و جهان آفرین ، ستوت یسن را برای پاسبانی جهانهای راستی ، برای نگهداری جهانهای راستی ، برای کسانی که سود می رسانند و خواهند رساند و برای سرتاسر هستی راستی ، داده است .

4 - هر راستکاری که با این نماز مهر آگین ستوت یسن برای خود و خویشان سازی پیش می آید ، تو او را اندیشه و گفتار و کردار نیک ارزانی می داری .

5 - راستی و منش نیک را گرامی می داریم . گاتها افزاینده و پیش برنده ، آن شاه نماهای راستین را گرامی می داریم .

6 - ستوت یسن را که نخستین بنیاد های زندگانی را می سازد ، گرامی می داریم . آنها را برای آنکه زندگانی را برابر خواهش خدا تازه نگهداریم ، می خوانیم ، می ورزیم ، می آموزیم ، می آموزانیم در دست داریم ، در اندیشه می پذیریم ، به یاد می سپاریم ، از بر می خوانیم و گرامی می داریم

بسلسله ارزش شناختی تاریخ باستانی نیاکان ما ، قابل یادمانی است که :
بقول پایگاه جامع فرق، ادیان و مذاهب - در انجیل متی حکایتی از تولد حضرت عیسی (علیه السلام)
بیان شده است.

بدین اساس که " عیسی در زمان پادشاهی - هیرودیس (در حدود سال 74 پیش از میلاد زاده شد) ؛ در
شهر « بیت لحم» یهودیه به دنیا آمد. در آن هنگام چند ستاره شناس از شاهنشاهی آریانی بزرگ
به اورشلیم آمده ، پرسیدند : کجاست آن کودکی که باید پادشاه یهود گردد؟ ما ستاره او را در
سرزمین های دوردست شرق دیده ایم و آمده ایم تا او را بپرستیم .
وقتی این خبر به گوش هیرودیس پادشاه رسید، سخت پریشان شد. تمام مردم اورشلیم نیز از ماجرا
آگاهی یافتند"(17)

به این مناسبت نیک ، مدتی پیش برخی از رهبران مسیحی، در جهت تبلیغ دین خویش، تندیس را از
چند موبد زرتشتی- ستاره شناس- در کشور برزیل برپا کردند . همین امر موجب شد تا غرور ملی -
موبدان زرتشتی و جریانات باستانگرا تحریک شده ، از آن چه در کشور برزیل رخ داده ، به عنوان
افتخاری برای سرزمین آریان، یاد کنند ! چهره ای از سه موبد زرتشتی (Natal-Reis-Magos)
که به اورشلیم رفته بودند، را در این جا بنشر می گذاریم . :

تندیس موبدان زرتشتی در برزیل ، افتخار آریاییان



البته تردیدی نیست که موبدان زرتشتی در زمینه ستاره شناسی و بویژه پیشگویی، توانا بودند و
پیشگویی دانشمندی چون بزرگمهر در دوران شاهنشاهی انوشیروان، درباره تولد محمد (ص) به
عنوان پیامبر آخر زمان در متون کلاسیک تاریخی و حتی شاهنامه بیان شده است (18).

خدایا چنان کن که پایان کار
تو خشنود باشی و ما رستگار
با ادای ادب

Dr.Basir Komjo

- 1 - فرهنگ فارسی دکتر محمد معین ، جلد پنجم ، چاپ یازدهم 1376 تهران ، ص 197.
- 2- <http://www.dnzt.org/images/BOOKS-PHOTOS/IRANI%20BOOKS/Gatha%20ha%20ya%20Soroudeh%20haaye%20Zartosht%20bazgardan%20obe%20farsi%20Mobed%20Shahzadi.pdf>
- 3 - همانجا
- 4 - همانجا
- 5 - فرهنگ دکتر محمد معین ، جلد ششم ، چاپ یازدهم 1376 تهران ، ص 2235 .
- و رجوع شود به لغت نامه دهخدا و مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات فارسی ، صص 130 - 131).
- رضی، هاشم . اوستا. تهران: سازمان انتشارات فروهر، 1363
- پشت‌ها، جلد اول، ترجمه و تفسیر ابراهیم پورداوود
- تفضلی، احمد، و به کوشش آموزگار، ژاله. تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام. تهران: انتشارات سخن،
6 - پایگاه پژوهشی آریابوم هرمز دیشت فارسی .
7 - دیدی نو از دیدی کهن، دکتر فرهنگ مهر، ویرایش 2، تهران، جامی، 1374 ؛ برگ 134
8- نوروژ تاریخچه و مرجع شناسی، ص 4 و 5 و منابع زیر :
- اذکایی، پرویز. نوروژ تاریخچه و مرجع شناسی. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و هنر مرکز مردم‌شناسی ایران، 1353 ،
- سایت هفته‌نامه ی امردادسایت هفته‌نامه امرداد
- مقاله ای از مهرداد قدردان درباره آیین گهنبار
9 - برای معلومات بیشتر به منابع زیر مراجعه فرمائید :
- اوستا، گزارش و پژوهش جلیل دوستخواه، صفحه 932
- اوستای کهن (متن کامل)، گزارش و پژوهش رضا مرادی غیاث آبادی، چاپ 1382، صفحه 9 تا 12
- کتاب زبان فارسی و سرگذشت آن، نوشته دکتر محسن ابوالقاسمی
- دایره‌المعارف کاتولیک (این مقاله دارای متونی از دایره‌المعارف کاتولیک است که در دامنه عمومی قرار دارند)
- اوستا، جلیل دوستخواه (از گزارش ابراهیم پورداوود، چاپ پنجم 1364، برگ نخست پیشگفتار
- اوستا، جلیل دوستخواه (از گزارش ابراهیم پورداوود)، چاپ پنجم 1264، برگ دوم پیشگفتار
- ابراهیم پورداوود، گات‌ها، ص 49
10 - ابراهیم پورداوود؛ خرده اوستا
11- <http://ash0-zartosht.blogfa.com/post-7.aspx>
12 - اوستا. جلیل دوستخواه. تهران. نشر مروارید. 1387. چاپ دوازدهم. ص 42
13 - <http://ash0-zartosht.blogfa.com/post-7.aspx>
14 - رجوع شود به سایت : Salient Points
15 - لغت نامه دهخدا و دانشنامه آزاد .
16 - http://www.zartoshti.org/gathas/Gathas_Farsi.pdf
17 - انجیل متی 2 : 1 - 4 (باب دوم ، 1 - 4)
18 - نگاه کنید به : " بشارت اوستا و متون پهلوی درباره اسلام" و -
- کتاب پنجم دینکرت ، ترجمه و پژوهش ژاله آموزگار و احمد تفضلی ، تهران : انتشارات معین، 1386 ، ص 36 .